ارزش ها و پیام های اخلاقی و تربیتی عاشورا

پدید آورنده : محمد احمدی ، صفحه 30

اخلاق، یکی از عناصر سه گانه دین است. «اعتقادات»، «احکام» و «اخلاق» جزو استوانه های اصلی اسلام می باشد و جهت الهی بخشیدن به صفات و رفتار انسان ها از اهداف عمده بعثت انبیاست. پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» نیز فرمود: «اِنی بُعِثْتُ لاِتَمَّمَ مَکارِمَ الاخْلاق»؛ از این رو کاشتن بذر کمالات اخلاقی در نهاد انسان ها، بخش مهمی از رسالت پیامبر و امامان را تشکیل می دهد و گفتار و رفتار آنان شایسته ترین مظهر خصلت های انسانی و خداپسندانه است.

حادثه کربلا و خلق و خویی که از حماسه سازان عاشورا به ثبت رسیده است، منبع ارزشمندی برای آموزش اخلاق و الگوگیری در زمینه خودسازی، تربیت دینی و کرامت انسانی است که به برخی از این پندهای اخلاقی اشاره می کنیم:

1. آزادگی:

آزادی در مقابل بردگی، اصطلاحی حقوقی و اجتماعی است. اما «آزادگی» برتر از آزادی و نوع رهایی انسان از قید و بندهای ذلّت آور و حقارت بار است. آزادگی آن است که انسان کرامت و شرافت خویش را بشناسد و تن به پستی و اسارت دنیا و زیر پا نهادن ارزش های انسانی ندهد.

در جریان بیعت گرفتن از امام به نفع یزید، پاسخ انسان ساز امام این بود که «لا وَ اللّهِ لا اُعْطِیْهِم بِیَدی اِعْطاءَ الذّلیلِ وَ لا اَقِرُّ اِقْرارَ إلْعَبیدِ»؛ «نه به خدا سوگند؛ نه دست ذلّت به آنان می دهم و نه چون بردگان تسلیم حکومت آنان می شوم!»

فرهنگ آزادگی در یاران امام و شهدای کربلا نیز جلوه نمایی می کند و هر کدام به نحوی انتخاب شهادت در راه خدا را بر ذلّت پذیری، با سرودن اشعار و بیان جمله ها اعلان کرده اند.

آزادی خواهان و آزادگان جهان با «درس آموزی» از نهضت سرخ عاشورا آن چنان تربیت می شوند که در موقعیت حساس، فداکارانه جان می دهند تا به سعادت شهادت برسند و جامعه خود را آزاد کنند. در نهضت های اسلامی شاهد این چنین آزادی خواهان و آزادگان بوده و هستیم.

2. تکریم انسان:

در مکتب های غیر عاشورایی برای رسیدن به خواسته ها از انسان ها استفاده ابزاری می شود؛ لکن در مکتب عاشورا و اندیشه عاشوراییان، مؤمن کرامت و ارزش دارد. انسان ها به لحاظ ایمان شان مورد احترامند، ملاک هم تقوا، ایمان و تعهد است نه رنگ، زبان، قبیله و کشور؛ از این رو امام حسین «علیه السلام» در روز عاشورا خود را بر بالین یکایک یاران شهیدش رساند و سر مبارک آنان را به دامن گرفت و بین آنان تفاوت قائل نشد. هم بر بالین علی اکبر «علیه السلام» حاضر شد و هم بر بالین غلام خویش جَوْن. این گونه رفتارهای خداپسندانه، نمونه ای از تکریم، عزّت و شخصیت دادن به یاران وفادار و پاسداران حریم دین است.

تکریم و عزّت دادن به افراد با ایمان، پیام تربیتی و اخلاقی عاشوراست.

جامعه ای که وارث فرهنگ جهاد و شهادت است، باید برای چنین انسان های فداکار؛ جانبازان و خانواده های شهدا ارزش بزرگ قائل شود تا انگیزه جان نثاری الهی، همیشه جذّاب و دوست داشتنی و دارای پیرامون باقی بماند.

3. توکّل:

داشتن تکیه گاهی قدرتمند و استوار در شداید و حوادث، عامل ثبات قدم و نهراسیدن از دشمنان و مشکلات است. توکل، تکیه داشتن بر نیروی الهی و نصرت اوست. قرآن کریم دستور می دهد که مؤمنان تنها به خدا تکیه کنند. امام حسین در آغاز حرکت خویش از مدینه، تنها با توکل به خدا این راه را برگزید و حتی توکلش بر یارانش هم نبود؛ از این رو از آنان نیز خواست هر که بخواهد، می تواند برگردد. با این توکل بود که هیچ رخدادی در عزم او خلل وارد نمی کرد.

در روز عاشورا با شروع حمله دشمن، حضرت در نیایشی به درگاه خدا، این اتکال و اعتماد به پروردگار را چنین بیان کرد: «انی توکلت علی اللّه ربّی و ربّکُم»؛ «بر خدایی که پروردگار من و شماست توکل می کنم.»

این ویژگی برجسته در لحظات آخر زندگی حضرت نیز همراه او بود. هنگامی که نیزه خورد و زخمی بر زمین افتاد، در مناجات عارفانه با معشوق خویش از این توکل بر ذات قادر متعال دم می زد: «اَسْتعینُ بِکَ ضعیفا و اتوکل علیک کافیا»

امام راحل با الهام گیری از پیام های عاشورا، خود نمادی از این توکل خالصانه به خدا، در تمام سختی ها و پیروزی ها بود که می فرمود: «اتکا به خدا بکنید. اگر ما، یک روز اتکای خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت گذاشتیم، یا روی سلاح گذاشتیم، بدانید که آن روز، روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت.»

ایشان در جای دیگر می فرماید: «ملت مسلمان و بزرگ ایران با این پیروزی بزرگ نشان دادند که با اتکال به خدای تعالی و صبر و پایداری می توان بر بزرگ ترین قدرت های شیطانی پیروز شد.»

نیز در مورد ملت مسلمان افغانستان می فرماید:

«و افغانستان هجوم ناجوانمردانه شوروی... را با قدرت ایمان و اتکال به خدای بزرگ و اعتماد به خویش در هم کوبید.

بدون شک توکل و اتکال به آفریننده یکتا آن هم در صحنه رزم و مبارزه علیه دشمن که مجهز به انواع امکانات نظامی است نقش اصلی را در پیروزی انقلاب های ملت های مسلمان دارد. پیام تربیتی عاشورا نشان دادن نقش حیاتی و قدرت ساز «توکل» در برابر تمام سختی ها زمینه ساز پیروزی هاست.

4. ایثار:

ایثار، مقدم داشتن دیگری بر خود است؛ چه در مسائل مالی و چه در موضوع جان، این صفت یکی از خصلت های ارزشمند اخلاقی است که در قرآن کریم و روایات، مورد ستایش فراوان است و از وارستگی انسان از «خودخواهی» سرچشمه می گیرد. قرآن کریم در آیه شریف: «و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة» از مؤمنانی یاد می کند که با این که خودشان نیازمندند، دیگران را بر خویشتن مقدم می دارند.

گذشتن از خواسته های خود به خاطر دیگری و در راه دیگری «ایثار» است. اوج ایثار، ایثار خون و جان است. در صحنه عاشورا، نخستین ایثارگر، سید الشهداء «علیه السلام» بود که حاضر شد فدای دین خدا گردد و رضای او را بر همه چیز برگزید و از مردم نیز خواست کسانی که حاضرند خون خود را در این راه نثار کنند و با او همسفر کربلا شوند.

اصحاب آن حضرت نیز، هر کدام ایثارگرانه جان فدای امام خویش کردند. در طول حوادث کربلا، صحنه های زیبایی از ایثارگری دیده می شود.

از جمله، وقتی امام حسین «علیه السلام» به فرزندان مسلم فرمود: شهادت مسلم برای شما بس است، شما صحنه را ترک کنید، یک صدا گفتند: به خدا سوگند چنین نخواهیم کرد. جان و مال و خانواده و هستی خود را فدای تو می کنیم و در رکابت تا شهادت می جنگیم.

جلوه دیگری از ایثار در کربلا ایثارگری سعید بن عبداللّه در روز عاشوراست که هنگام اقامه نماز امام، خود را سپر تیرهایی ساخت که از سوی دشمن می آمد. وقتی نماز امام به پایان رسید، او سیزده تیر بر بدن داشت و بر اثر همین زخم ها به زمین افتاد و شهید شد.

پیام عاشورا ارائه الگوهای زنده از جلوه گری ایثار است و کسی که تربیت یافته مکتب عاشورا باشد، او برای خدا از جان، مال و فرزندان گذشته، شهادت را انتخاب می کند.

5. جهاد با نفس:

برتر و دشوارتر از جهاد با دشمن بیرونی، مبارزه با تمنیات درونی و کنترل هوای نفس، شهوت، دنیا دوستی و فدا کردن خواسته های خویش در راه «خواسته خداست.»

این خود ساختگی، زیر بنای جهاد با دشمن بیرونی است و بدون آن، این هم بی ثمر یا بی ثواب است.

در صحنه عاشورا کسانی حضور داشتند که اهل جهاد با نفس بودند و هیچ هوا و هوسی در انگیزه آنان دخیل نبود. از همین رو بر جاذبه های مال، مقام، شهوت، عافیت طلبی و... پیروز شدند.

از باب نمونه، عمروبن قرظه انصاری، از شهدای کربلا، در جبهه امام حسین «علیه السلام» و برادرش «علی بن قرظه» در جبهه عمر سعد بود. بدون شک خودساختگی او سبب شد که هرگز محبت برادرش باعث سستی در حمایت از امام نشود و دلیرانه در صف یاران امام، تا مرز شهادت ایستادگی و مبارزه کند.

نافع بن هلال، شهیدی دیگر از عاشوراییان بود. نامزد داشت و هنوز عروسی نکرده بود. در کربلا هنگامی که می خواست برای نبرد به میدان رود، همسرش دست به دامان او شد و گریست. این صحنه کافی بود که هر جوانی را متزلزل، و انگیزه جهاد را از او سلب کند. با آن که امام حسین «علیه السلام» نیز از او خواست که شادمانی همسرش را بر میدان رفتن ترجیح دهد، لکن او بر این محبت بشری غلبه یافت و گفت: ای پسر پیامبر! اگر امروز تو را یاری نکنم، فردا جواب پیامبر را چه بدهم؟ آن گاه به میدان رفت و جنگید تا شهید شد.

عباس بن علی «علیه السلام» روز عاشورا، وقتی تشنه لب وارد شریعه فرات شد، دست به زیر آب برد، اما با یادآوری تشنگی امام و اهل بیت، آب را بر روی آب ریخت و ننوشید و تشنه بیرون آمد.

این نمونه ها هر کدام جلوه ای از پیروزی عاشورائیان را در میدان «جهاد با نفس» نشان می دهد. یکی علاقه به برادر و دیگری علاقه به همسر را در پای عشق به امام خود، ذبح می کند، و دیگری تشنگی خود را در مقابل عطش امام، نادیده می گیرد ...

پیام تربیتی عاشورا این است که اشخاصی قدم در میدان مبارزه با ستم بگذارند که نیّت های شان خالص باشد؛ میل به قدرت، شهرت طلبی و محبت به دنیا را در وجود خود از بین برده باشند تا بتوانند در میدان مبارزه، ثبات قدم و استقامت داشته باشند؛ وگرنه خوف رها کردن مبارزه و هدف و خطرِ افتادن در دام نفس اماره باقی است.

امام امت می فرماید: «باید خودتان را بسازید تا بتوانید قیام کنید، خود ساختن به این [است]که تبعیت از احکام خدا کنید».

نیز می فرماید: «تا در بند خویشتن خویش و هواهای نفسانی خود باشید، نمی توانید «جهاد فی سبیل الله» و دفاع از «حریم الله» نمایید.»

در تاریخ نهضت های اسلامی کشورهای ایران و افغانستان دیدیم که کسانی عزّت مندانه در جهاد و جبهه شرکت کردند که در میدان «جهاد با نفس» به موفقیت رسیده بودند.

شهدای عاشورا، همه مجاهدان با نفس بودند و پیام تربیتی و اخلاقی شان به آیندگان نیز همین است.

6. صبر و استقامت:

برای مقابله با فشارهای درونی و بیرونی و غلبه بر مشکلات در راه رسیدن به هدف، پایداری و استقامت لازم است. بدون صبر، در هیچ کاری نمی توان به نتیجه مطلوب رسید. برای این که مصیبت ها و دشواری های راه، انسان را از پای در نیاورد، باید صبور بود. این دعوت دین در همه مراحل است و در عاشورا نیز با این جلوه عظیم روحی رو به رو هستیم و آنچه حماسه کربلا را به اوج ماندگاری و تأثیرگذاری و فتح معنوی می رساند، روحیه مقاومت امام حسین «علیه السلام» و یاران و همراهان او بود.

امام شهیدان، از آغاز، نیروهایی را به همراهی طلبید که مقاوم باشند. در یکی از منزلگاه های میان راه، فرمود: «اَیُّهَا النّاسُ فَمَنْ کانَ منکم یَصْبِرُ عَلی حدِّ السیفِ وَ طَعْن الاسِنّةِ فَلیقم مَعَنا و اِلاّ فَلْیَنْصَرِف عَنّا»؛ «ای مردم! هر کدام از شما که تحمل تیزی شمشیر و زخم و ضربت نیزه ها را دارد همراه ما بماند و الاّ باز گردد.»

سخت ترین ضربه های روحی و مصیبت شهادت فرزندان و یاران، بر امام حسین «علیه السلام» وارد شد، لکن در همه آن ها خود را نباخت و مقاومت و ایستادگی کرد. هنگام خروج از مکّه در خطبه ای با اشاره به حوادث آینده و پیشگویی شهادت خویش، فرمود: «نَصْبِرُ عَلی بَلائِه وَ یُوَفّینا اُجورَ الصّابِرینَ»؛ «ما، به رضای خدا رضاییم، بر بلای او صبر می کنیم، او نیز پاداش صابران را به ما می دهد.» با توجه به این که صحنه کارزار، همراه با زخم و ضربه و مرگ و درگیری و اسارت و صدها خوف و خطر است، امام حسین «علیه السلام» شرط همراهی را صبر دانست تا یاران صبورش تا نهایت کار با او بمانند.

در میان بازماندگان شهداء عبدالله بن جعفر - همسر حضرت زینب «علیهاالسلام» - که در مدینه مانده بود، دو فرزندش در کربلا در رکاب سالار شهیدان، شهید شدند. برخی به او زخم زبان می زدند، امّا او با ایمان و صبر والا، داغ دو جوان را تحمل می کرد و می گفت: آنچه شهادت این دو فرزند را بر من آسان می سازد آن است که آن دو، در کنار برادرم و پسر عمویم حسین بن علی «علیه السلام» کشته شدند، در حالی که نسبت به او از جان گذشتگی نشان دادند و در کنار او صبر و مقاومت کردند.

صبر و پایداری شهدای کربلا و بازماندگان آنان به عنوان یک «مقام» و خصلت برجسته و ارزشمند به ثبت رسیده است و زیارت نامه های آن شهدا گویای روشن آن است.

در نهضت های اسلامی ایران، افغانستان، لبنان و... اگر پایداری مردم در مبارزه و تحمّل دشواری ها و شهادت ها نبود، و اگر رزمندگان اسلام در جبهه ها، آن همه تلفات و شداید را تحمّل نمی کردند، نهضت های اسلامی به پیروزی نمی رسید.

امام امت در مورد مقاومت مجاهدین افغانستان می فرماید: «[برای]این افغانستان، دست شوروی هر روز فاجعه درست می کند، البته ملّت افغانستان هم همچو در مقابلش ایستاده اند که شاید او را پشیمان کرده باشند.»

بدون شک، حادثه کربلا آموزگار مقاومت بود و آثار تربیتی آن در جهان اسلام و به ویژه تشیّع در مبارزات حق طلبانه جلوه گری می نماید. مقاومت شهدای کربلا شهادت و سختی های جنگ را برای رزمندگان و مجاهدان اسلام قابل تحمّل و آسان کرده است، چنان که خانواده های شهدا نیز از صبر زینب کبری صبوری آموخته اند و پدران، مادران و همسران، داغ جوانان خویش را با الهام از واقعه عاشورا تحمل کرده و می کنند.

7. عمل به تکلیف:

مکتبی بودن یک مسلمان را از این جا می توان شناخت که در همه ابعاد زندگی و کارهای فردی و اجتماعی، نسبت به آن چه «وظیفه دینی» است، متعبّد و عامل باشد. تکلیف در شرایط مختلف فرق می کند. عمل به تکلیف ممکن است مطابق خواسته قلبی انسان باشد یا مخالف؛ مورد پسند مردم باشد یا نه. مسلمان چون در برابر خداوند تعهد سپرده است، عملکرد او نیز باید طبق خواسته او باشد و «عمل به تکلیف» را فدای هیچ چیزی نکند.

فرهنگ «عمل به تکلیف» وقتی در جامعه و میان افراد حاکم باشد، همواره احساس پیروزی می کنند. به تعبیر قرآن کریم به «اَحْدی الْحُسنَیَین» می رسند و در مبارزات هم چه کشته شوند و چه به پیروزی نظامی، سیاسی و... برسند، هر دو صورت برای آنان خوب است.

امامان معصوم «علیهم السلام»، در شرایط مختلف اجتماعی مطابق تکلیف عمل می کردند. قضیه عاشورا نیز یکی از جلوه های عمل به وظیفه بود. شرایط و شناخت زمینه ها اقتضای چنین تکلیفی را داشت، لذا امام حسین «علیه السلام» فرموده است: «اَرْجُو اَنْ یَکُونَ خَیْرا ما ارادَ اللّهِ بِنا، قُتِلْنَا اَمْ ظَفَرْنا»؛ «امیدواریم آنچه خدا برای ما اراده فرموده است، خیر باشد، چه کشته شویم و چه پیروز گردیم.»

امام امّت بر اساس همین فرهنگ می فرمود: «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه ایم، نه مأمور نتیجه.»

پیام اخلاقی و تربیتی عاشورا برای همه، به ویژه آنان که موقعیت ویژه و وظیفه بیش تر دارند و برای دیگران الگو هستند، «شناخت تکلیف» و «عمل به تکلیف» است. نقش شناخت تکلیف و عمل به آن در سرنوشت جوامع، بسیار با اهمیّت و حیاتی است. در زمان سالار شهیدان «علیه السلام» چنانچه همه پیروان حق وظیفه خویش را می شناختند و مانند شهدای کربلا با جانبازی و حمایت از امام خویش به وظیفه عمل می کردند، مسیر تاریخ به گونه دیگری رقم می خورد و سرنوشت اسلام و مسلمانان به گونه دیگری می شد.

امروز نیز باید جنبه های مختلف تکلیف را شناخت و نسبت به انجام آن متعهد بود و پیروزی را در انجام وظیفه دانست. اگر چنین اندیشه و تفکری در جامعه تحقق پیدا کند، آثار و نتایج آن آرامش روحی و امنیت اجتماعی خواهد بود.

8. محبت به خدا:

محبت خداوند موجب می شود همه گام ها در جهت رضای دوست برداشته شود و انسان در ادای تکلیف تزلزل و ترس به خود راه ندهد و دوست داشتن مردم نیز باعث اعتنای به آنان و موجب حرکت برای رفع مشکلات آن ها می شود.

این دو ویژگی در سالار شهیدان و یاران شهیدش درخشش خاصّی دارد. فرازهایی از مناجات وی در عصر روز عرفه در صحرای عرفات با خدای خویش، نشان دهنده محبّت او به خداوند متعال است.

در روز عاشورا هر اندازه عقربه های ساعت به ظهر نزدیک می شد و بحرانی ترین لحظات نزدیک تر می گردید، آن عاشق دلباخته با سپری شدن لحظه های فراق و نزدیک شدن وعده وصل، مصمم تر و چهراش شکفته تر می شد و وجد و شور خاصّی در امام «علیه السلام» مشاهده می گردید. همین حالت عشق و علاقه ملاقات با معبود در یاران شهیدش نیز مشاهده می شد.

در مورد محبت و علاقه حضرت به مردم، همین بس که روزی در حال عبور، مساکینی را دید که دور هم جمع شده و مشغول خوردن بودند. امام را که دیدند به وی سلام کرده، به حضرت تعارف کردند. امام متواضعانه از اسب پیاده شد، دعوت آنان را پذیرفت و در کنارشان نشست و آنان را مورد لطف و محبت ویژه خویش قرار داد و فرمود: اگر نان های شما از صدقه نمی بود، من نیز با شما همسفره می شدم و از غذای شما می خوردم؛ لکن ما، صدقه نمی خوریم. شما برخیزید و با من به منزل بیایید و از سفره ما استفاده کنید تا من هم با شما همسفره و هم غذا شوم، و چنین کردند.

امام «علیه السلام» با این رفتار خویش هم به نیازمندان شخصیت می داد و هم به وظیفه اخلاقی خود عمل می کرد!

پی نوشت ها:

1. محمد باقر مجلسی؛ بحارالانوار، ج 45، ص 7 و ابو مخنف؛ وقعة الطف، قم، جامعه مدرسین؛ 1367، ص 209.

2. محمد باقر مجلسی؛ پیشین، ج 44، ص 352 و ج 45، ص 14.

3. عبدالرزاق الموسوی مقرم، مقتل الحسین، دار الکتاب الاسلامی، 1399 ق، چاپ پنجم، ص 249؛ موسوعة کلمات امام حسین «علیه السلام»، پیشین، ص 463.

4. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج 3، جزء پنجم، مؤسسه عزّ الدین، بیروت، 1407 ق، چاپ دوم، ص 211؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 2، دار احیاء التراث العربی، 1408 ه، ص 559.

5. محمد باقر مجلسی؛ پیشین، ج 45، ص 9.

6. عبدالرزاق الموسوی المقرم؛ پیشین، ص 282.

7. صحیفه نور، ج 20، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1378، ص 77.

8. منظور پیروزی انقلاب اسلامی است.

9. صحیفه نور، پیشین، ص 492.

10. همان، ج 18، وزارت ارشاد اسلامی، 1365 ش، ص 91.

11. سید مصطفی حسینی دشتی؛ پیشین، ص 602.

12. سوره حشر (59) آیه 9.

13. محمد باقر مجلسی؛ پیشین، ص 366 - 367؛ باقر شریف القرشی؛ پیشین؛ ص 48.

14. خوارزمی؛ پیشین، ص 229؛ محمد باقر مجلسی؛ پیشین، ص 393.

15. و روی انّ سعید ابن عبداللّه الحنفی تقدم امام الحسین «علیه السلام»، فاستهدف له یرمونه باالنبل، فما اخذ الحسین یمینا و شمالاً الاقام بین یدیه، فما زال یرمی حتی سقط الی الارض... عبدالرزاق الموسوی المقرم؛ پیشین، ص 245.

16. محمد باقر مجلسی؛ پیشین، ج 45، ص 22، سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج اول؛ دار التعاریف للمطبوعات، بیروت، ص 605.

17. احمدی صابری همدانی؛ ادب الحسین، جامعه مدرسین، قم، 1407 ق، چاپ دوم، ص 210.

18. محمد باقر مجلسی؛ پیشین، ج 45، ص 41.

19. کلمات قصار امام راحل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره»، ص 66.

20. همان، ص 75.

21. الحافظ سلیمان القندوزی الحنفی، ینابیع المودّة، باب 61، مکتبة المحمدی، قم، 1385 ق، چاپ هشتم، ص 338.

22. محمد باقر مجلسی؛ پیشین، ج 44، ص 367.

23. ابو مخنف؛ پیشین، ص 274 - 273.

24. عباس قمی؛ مفاتیح الجنان، زیارت اربعین، ص 855.

25. صحیفه نور، ج 18، ص 91.

26. سوره توبه (9) آیه 52.

27. سید محسن امین؛ پیشین، ص 597.

28. کلمات قصار امام راحل، ص 50.

29. عباس قمی؛ پیشین؛ دعای عرفه.

30. محمد باقر مجلسی؛ پیشین، ج 44، ص 297.

31. سید محسن امین، پیشین، ص 580.